

## بازاندیشی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله

مهدی طالب\*

عبدالمنان حقیقی مقدم\*

تاریخ دریافت: ۱۶ بهمن ۱۳۸۹

تاریخ پذیرش: ۱۶ شهریور ۱۳۹۰

### چکیده

برنامه‌های توسعه روستایی، از جمله برنامه‌های توسعه هر کشور برای بهبود شرایط زندگی ساکنان فقیر و کم‌درآمد روستایی و خودکفا کردن آنها در فرایند رشد و توسعه کلی کشور است. هدف برنامه‌های مذکور، تغییر ساختار اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه روستایی است. مجری و کارگزار در برنامه‌های مذکور نیز دولت‌ها هستند. طرح توسعه منطقه‌ای سلسله، یکی از مهمترین طرح‌های توسعه روستایی در کشور بوده که قبل از انقلاب، در منطقه الشتر اجرا شده است. با اینکه طرح مذکور، یکی از مهم‌ترین طرح‌های توسعه‌ای در دوران قبل و حتی بعد از انقلاب بوده، متأسفانه تا به حال ناشناخته مانده است. در پژوهش حاضر، تلاش شده است با استفاده از روش اسنادی، ابتدا ابهام‌هایی که درباره طرح مذکور وجود دارد، رفع شود و تصویری جامع و واضح از آن ارائه گردد. سپس با استفاده از روش پژوهش کیفی (مصاحبه و مشاهده)، آثار طرح توسعه سلسله در منطقه و آرای مردم محلی درباره طرح بررسی شده است. نتایج پژوهش حاضر، نشان می‌دهند که طرح توسعه منطقه‌ای سلسله، آثار عمیقی در ابعاد مختلف، به‌ویژه در زمینه آموزش، بهداشت و عمران در منطقه داشته است. با توجه به تجربه اجرای طرح توسعه منطقه‌ای سلسله می‌توان دریافت که فقط با رفتن بین مردم و کار کردن با آنها، می‌توان برنامه‌ریزی کرد. همچنین، برنامه‌ریزی را فقط در سطح محلی می‌توان انجام داد. بنابراین، به برنامه‌ریزی محلی نیازمندیم، نه تنها به این دلیل که برنامه‌ریزان در سطح ملی نمی‌توانند مسائل مردم را در سطح محلی شناسایی کنند، بلکه به این دلیل که به مشارکت مستمر مردم در فرایند توسعه نیاز است.

**کلیدواژه‌ها:** توسعه روستایی، برنامه‌ریزی روستایی، توسعه منطقه‌ای، طرح توسعه منطقه‌ای سلسله.

---

\* استاد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. mehdi.taleb1945@gmail.com

\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول) mannan\_60@yahoo.com

### مقدمه و بیان مسئله

معمولاً مدت زمان طولانی باید سپری شود تا سیاستمداران و برنامه‌ریزان، نتایج تصمیم‌های خود را درباره توسعه مشاهده کنند و به اشتباه‌های خود پی ببرند. با توجه به شرایط موجود در اغلب کشورهای آسیایی، سیاستمداران و برنامه‌ریزان پی برده‌اند که راه‌حل مشکلات روستاییان در شهرها نیست، بلکه در خود روستاهاست. فقط با تأکید بیشتر بر توسعه روستایی که هدف آن، ارتقای شرایط زندگی روستاییان باشد، توسعه ملی تحقق می‌یابد (دیاس و مایاناک، ۱۳۶۸: ۵۵).

برنامه‌های توسعه روستایی، جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور محسوب می‌شوند که برای دگرگون کردن ساخت اجتماعی-اقتصادی جامعه روستایی به کار می‌روند. این گونه برنامه‌ها را که دولت‌ها یا عاملان آنان در مناطق روستایی اجرا می‌کنند، دگرگونی اجتماعی بر اساس طرح و نقشه نیز می‌گویند. این امر در کشورهای جهان سوم مصداق می‌یابد که دولت‌ها تأثیر مهمی در تجدید ساختار جامعه به منظور هماهنگی با اهداف سیاسی و اقتصادی ویژه دارند. همچنین، توسعه روستایی را می‌توان عاملی در بهبود شرایط زندگی روستاییان کم‌درآمد و خودکفا کردن آنها در روند توسعه کلان کشور دانست. در زمستان سال ۱۳۵۲، به نخست وزیر وقت پیشنهاد شد که با توجه به ضرورت بازسازی و تلاش برای اعتلای مادی و معنوی جامعه روستایی، یک طرح توسعه جامع و همگون منطقه‌ای زیر نظر ایشان اجرا گردد. مجید رهنما، مأمور گردید تا با همکاری گروهی از افراد، منطقه مورد نظر را انتخاب کند. با اینکه طرح توسعه منطقه‌ای سلسله، یکی از مهم‌ترین طرح‌های توسعه‌ای قبل و حتی بعد از انقلاب بوده، اما متأسفانه تا به حال ناشناخته مانده است. از این رو، سعی می‌شود ابتدا، ابهام‌هایی که درباره طرح مذکور وجود دارد، رفع شود و تصویری جامع و واضح از آن ارائه گردد. سپس آثار طرح در منطقه و آرای مردم محلی درباره طرح مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هدف کلی پژوهش حاضر، بازخوانی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله و بازاندیشی درباره آن است. اهداف جزئی این پژوهش نیز در ذیل بیان می‌شود: هدف از اجرای طرح توسعه سلسله در منطقه الشتر چه بود؟ چه نهاد یا سازمان‌هایی مجری طرح مذکور بوده‌اند؟ برنامه‌های آموزشی، بهداشتی و عمرانی طرح توسعه سلسله چه بودند؟ (۴) به چه دلایلی اجرای طرح مذکور، نیمه‌کاره رها گردید؟ (۵) دلایل شکست یا موفقیت طرح توسعه سلسله چیست؟ (۶) نگرش مردم محلی درباره طرح توسعه سلسله چه بوده است؟ (۷) مشارکت مردم در طرح به چه نحو بوده است؟ (۸) از طرح توسعه سلسله که یکی از اولین طرح‌های توسعه منطقه‌ای در کشور است، چه تجربه‌هایی می‌توان آموخت؟

با توجه به اهداف مذکور، پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. هدف پژوهش حاضر، شناخت جامع طرح توسعه سلسله و بررسی فعالیت‌ها و آثار آن در منطقه مذکور است. علاوه بر این، از آنجایی

## بازاندیشی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله

که اجرای طرح مذکور نتوانست بیش از چند سال ادامه یابد و با وقوع انقلاب متوقف گردید، بررسی اسناد دوره مذکور، مصاحبه با افرادی که در آن زمان با طرح مذکور مرتبط بودند و مشاهده منطقه مورد نظر برای بررسی همه‌جانبه طرح سلسله، ضرورت انجام پژوهش کیفی را مطرح می‌کند.

### روش پژوهش

در پژوهش حاضر، تلاش شده است با استفاده از روش اسنادی، ابتدا ابهام‌هایی که درباره طرح توسعه سلسله وجود دارد، رفع شود و تصویری جامع و واضح از آن ارائه گردد. سپس با استفاده از روش پژوهش کیفی (مصاحبه و مشاهده)، آثار طرح مذکور در منطقه و آرای مردم محلی درباره آن بررسی شده است.

### چارچوب مفهومی

زمان اجرای طرح توسعه سلسله، به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد، یعنی زمانی که راهبرد "نیازهای اساسی"، مهمترین راهبرد توسعه محسوب می‌شد. بنابراین، به راحتی می‌توان گفت که طرح مذکور، بر اساس راهبرد نیازهای اساسی شکل گرفته بود. در طرح توسعه سلسله، بر پایه توسعه منطقه‌ای برای بازسازی جوامع روستایی و اعتلای مادی و معنوی آنها، در قالب الگویی درون‌زا مبتنی بر یکپارچگی و رویکرد پایین به بالا تلاش می‌شد. همچنین مدلی که برای طرح مذکور پیشنهاد شده بود، تلفیقی از مدل تأمین حداقل نیازها و مدل مشارکت بود. به منظور روشن شدن چارچوب مفهومی پژوهش حاضر سعی می‌شود که همه رویکردها و دیدگاههایی که طرح توسعه سلسله بر اساس آنها شکل گرفته است یا با آنها مرتبط بود، به تفصیل بیان شود.

**راهبرد نیازهای اساسی:** استدلال راهبرد نیازهای اساسی این است که تأمین حداقل نیازهای اساسی جوامعی که از حداقل‌ها محروم هستند، گام مهمی برای تحقق توسعه است و با بهبود کیفیت زندگی و نیروی انسانی، شرایط برای توسعه در سایر زمینه‌ها فراهم می‌شود. سلسله مراتب توسعه، مراحل و اولویت‌های زیر را شامل می‌شود:

- ۱- ریشه‌کن کردن فقر شدید، بیکاری و دستیابی به حداقل درآمد و خدمات اجتماعی از طریق اشتغال همراه با مشارکت مردم.
- ۲- رشد بیشتر و تساوی گسترده‌تر، افزایش آگاهی مردم.
- ۳- تساوی با عدالت توزیعی، برابری اجتماعی، توزیع مجدد دارایی‌ها و دموکراسی.
- ۴- توسعه کامل خلاقیت و استعدادهای انسانی (اسکاپ، ۱۳۶۵: ۲۵ به نقل از جمعه‌پور، ۱۳۸۴: ۹۰).

**توسعه درونزا:** الگوی توسعه درونزا بر خلاف الگوی توسعه برونزا، منشاء و جهت‌گیری داخلی دارد. در الگوی توسعه درونزا، منابع داخلی و شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اجتماع محلی، مورد توجه قرار می‌گیرد و بر این واقعیت تأکید می‌شود که چگونه شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تغییر یابد که عوامل بازار بتوانند با فعالیت خود، نیازهای داخلی جامعه را تأمین کنند. همچنین بر ارتقای کیفیت زندگی همه انسان‌ها تأکید می‌گردد. بنابراین، الگوی توسعه درونزا، داخلی است و با شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه، سازگار است و در آن از تقلید و الگوبرداری محض و وابستگی به خارج اجتناب می‌شود و برای تحقق توسعه‌ای همگون و متوازن در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد (ازکیا، ۱۳۸۱: ۲۳).

**راهبرد توسعه همه‌جانبه روستایی:** این راهبرد که در دهه هشتاد مطرح شد، تحت تأثیر بهره‌گیری از دیدگاه‌های مختلف و نیز ظهور تفکر کل‌نگر است. بر اساس راهبرد مذکور، پیامدهای توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی، بر ابعاد مختلف حیات اجتماعی تأثیر می‌گذارند. برای تحقق توسعه‌یافتگی روستایی، باید به زمینه‌ها و عوامل مختلفی توجه شود که با یکدیگر تعامل دارند. در این رویکرد، بر سازماندهی روستاییان و گسترش سازمان‌های محلی تأکید می‌گردد که کارکردهای فراوانی مانند تدوین سازوکاری برای دخالت مردم در تصمیم‌گیری محلی، توسعه ارتباطات دوسویه، گسترش خدمات، بسیج منابع محلی، افزایش آگاهی‌های سیاسی اجتماعی، نظارت بر دیوانسالاری محلی و توسعه توانمندی‌های رهبری محلی دارند. همچنین با نگاهی جامع به وضعیت و ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روستاها و ایجاد ارتباط ارگانیک روستاها با سایر بخش‌های شهری و منطقه‌ای و استفاده از ویژگی‌های بومی و سنتی برای توسعه روستایی در قالب تقویت ابتکارهای محلی تلاش می‌شود (ازکیا، ۱۳۸۴: ۲۷۶). به طور کلی، اهداف توسعه روستایی همه‌جانبه عبارت‌اند از: بهبود معیارهای زندگی یا بهزیستی توده مردم؛ افزایش بهره‌وری مناطق روستایی و کاهش آسیب‌پذیری روستاییان؛ تضمین این موضوع که فرایند توسعه، خودگردان است و با توده مردم، سروکار دارد؛ تضمین حداکثر خودمختاری (تشویق عدم تمرکز اداری و خودمختاری سیاسی) و کمترین میزان قطع رابطه با رسوم سنتی؛ و "همه‌جانبه"، بیانگر چندمنظوره بودن برنامه‌ریزی روستایی باشد.

### مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی

در فرهنگ فارسی، واژه مشارکت به معنای شرکت کردن و انبازی کردن آمده است. همچنین در لغت‌نامه دهخدا، مشارکت از نظر لغوی، مأخوذ از تازی، شراکت، انبازی، حصه‌داری و بهره‌برداری تعریف شده است. کلمه مشارکت، معادل اصطلاح Participation انگلیسی است. این واژه از ریشه Part به معنی قسمت، جزء و

## بازاندیشی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله

بخش گرفته شده است و به معنی سهم شدن در چیزی یا گرفتن قسمتی از آن است. تعاریف مختلفی درباره مشارکت بیان شده است. مشارکت، سهمی در چیزی یافتن، سود بردن در گروهی، شرکت جستن و همکاری داشتن تعریف شده است (بیرو<sup>۱</sup>، ۱۳۶۶: ۲۵۷).

اوکلی و مارسدن<sup>۲</sup>، مشارکت را فرایند مداخله خلاق افرادی تعریف کرده‌اند که به تعیین و برآورده کردن نیازهای خود علاقمند هستند. این کار، سهم شدن انفعالی در فعالیت‌های طراحی شده دیگران و نیز بهره‌برداری از نتایج فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی نیست، بلکه پیش قدم شدن در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار یا چگونگی انجام آن است (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۶۸). مشارکت، پیشینه‌ای تاریخی در ایران دارد. عمل مشارکت با مفاهیم همبستگی، همکاری، یاری، اتحاد، انجمن و نظایر آنها همراه است.

مشارکت برانگیخته، با مفهوم توسعه ابعاد گسترده‌ای یافته است. این نوع مشارکت به وجود عاملی بیرون از گروه مشارکت‌کننده بستگی دارد. مشارکت افراد در این گروه‌ها، تحت تأثیر انگیزه‌های مختلف است. کارکرد اساسی این نوع مشارکت، انجام تغییرات احتمالی از طریق اشاعه رفتارها و شیوه‌هایی است که متولیان توسعه تعیین می‌کنند.

نظریه توسعه روستایی بر پایه مشارکت مردمی، از اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، به طور گسترده مطرح شد. نظریه مذکور، بر دو اصل "توسعه روستایی یکپارچه به مثابه توسعه ملی" و "مشارکت مردم" مبتنی بود. نظریه مذکور، مبتنی بر چند اصل اساسی است که عبارت‌اند از: (۱) نخستین هدف توسعه، تأمین حداقل نیازهای اساسی است؛ (۲) مشارکت، محور توسعه خودیار روستایی است، در عین حال که مشارکت در منافع، عاملی برای مشارکت در توسعه محسوب می‌شود. ۳- اصلاحات ارضی، پیش‌شرط مشارکت روستایی است (حامدمقدم، ۱۳۸۰: ۲۹۳).

امروزه اکثر جامعه‌شناسان و حتی در مواردی برخی از اقتصاددانان آگاه به مسائل اجتماعی، معتقدند که توسعه روستایی، بدون مشارکت روستاییان، دشوار یا حتی غیرممکن است. مشارکت حتی اگر به صورت برانگیخته از جانب عوامل بیرونی (بیرون از جامعه روستایی) پدید آید، مستلزم قبول قلبی و شرکت ارادی افراد است. شناخت ویژگی‌های اجتماعی افراد در جامعه روستایی (ایستارها و هنجارها)، زمینه را برای تدوین پروژه‌هایی به منظور ایجاد تغییر و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای توسعه فراهم می‌کند (طالب، ۱۳۷۶: ۳).

1 Biro

2 Okily and Marsden

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های زیر، حاصل بررسی اسنادی و مصاحبه با مردم و متخصصان مرتبط با طرح توسعه سلسله بوده است که در ادامه بیان می‌گردد.

#### \* چگونگی شکل‌گیری طرح

در اوایل دهه ۱۹۷۰، ایران به کانون توجه در دنیای نوظهور توسعه تبدیل گردید. کشور به تازگی از بحران سیاسی، که امیدوارکننده‌ترین جنبه آن، ملی شدن صنعت نفت بود، خارج شده بود و بنابراین، مبالغ هنگفتی پول به‌طور بی‌سابقه‌ای، برای برآوردن جاه‌طلبانه‌ترین خواسته کشور، یعنی تبدیل شدن به ملتی کاملاً توسعه‌یافته در آستانه قرن بیست و یکم در دسترس قرار گرفت. معاون دبیر کل سازمان ملل متحد در امور اقتصادی، در پایان دیداری از ایران، آن را الگویی موفق در توسعه معرفی کرد و معتقد بود که ایران به زودی ژاپن دوم آسیا خواهد شد.

در حقیقت، ایران به لحاظ جنبه‌های بسیاری، به سرعت در حال توسعه بود، اما این روند، ناگزیر پیامدهایی نیز به همراه داشت، چنان که تولید با عقب‌ماندگی، ثروت با فقر، آموزش با محرومیت، ملیت با وابستگی، توسعه شهری با تخریب زندگی اجتماعات محلی، و به رسمیت شناخته شدن در حوزه‌های بین‌المللی با جدایی طبقه حاکم از مردم در سطح محلی همراه بود. با وجود تناقض‌های مذکور، تولید ناخالص ملی کشور به میزان بی‌سابقه، یعنی ۱۲ تا ۱۵ درصد در سال رو به افزایش بود (رهنما، ۱۳۸۱).

در چنین وضعیتی، طراحی و آزمون الگویی دیگر برای مدیریت توسعه مناطق روستایی کشور ضرورت یافت. این موضوع، با عنایت به آگاهی از تجربیات برخی کشورها، مانند جمهوری خلق چین (در زمینه بهورزی) یا برخی تجربیات عملی در ایران، مانند تجربه بهورزی، آموزش عشایری و ضرورت تجدیدنظر در الگوی توسعه روستایی و نظام آموزش و نیز چالش‌های پیش روی نظریه‌پردازان توسعه، به تدوین و اجرای طرح سلسله منجر گردید تا پس از آزمون، در صورت دستیابی به اهداف تعیین شده، برتری آن به عنوان الگوی رایج توسعه روستایی تأیید شود. زمینه تجربی تدوین طرح توسعه منطقه‌ای سلسله، تحت تأثیر طرح بهورزی (پیشگیری و درمان) نیز است و طرح مذکور، در واقع برگرفته از طرح توسعه بهداشتی - درمانی جمهوری خلق چین (در اوایل پیروزی انقلاب این کشور) است. همچنین طرح سوادآموزی عشایری که قبل از دهه ۱۳۵۰، در ایران اجرا شد، در فرایند تدوین منسجم طرح سلسله مؤثر بود.

#### \* تجربه پزشک - دهقان چین

چین کشوری بسیار پرجمعیت است که در زمان پیروزی انقلاب آن، یعنی سال ۱۹۴۹ بسیار فقیر و عقب‌مانده بود. در آن زمان، کمتر از ۳۰۰۰۰ پزشک مدرن به تأمین نیازهای بهداشتی - درمانی بیش از ۵۰۰

## بازاندیشی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله

میلیون نفر جمعیت می‌پرداختند. اکثر پزشکان مذکور، در تعداد معدودی از شهرهای ساحلی اقامت داشتند. در مناطق وسیعی از روستاهای کشور، جایی که از هر شش نفر چینی، پنج نفر در آن زندگی می‌کردند، هیچ پزشک تحصیل‌کرده‌ای وجود نداشت و فقط تعداد کمی از پزشکان سنتی فعالیت می‌کردند. با وجود چنین موقعیت بهداشتی- درمانی و نیز فقر گسترده در کشور چین، معضل اساسی دولت وقت، چگونگی رفع فقر بهداشتی و درمانی و تحول شرایط به منظور فراوانی دسترسی‌ها در زمان منطقی بود. برای تحقق این هدف، دولت درصدد فراوانی دسترسی نبود، بلکه برای تأمین حداقل نیازهای زیستی برای مردم مناطق مذکور تلاش می‌کرد. برای تحقق وضعیت بهتر، مردم و دولت از زمان و منابع در حد مطلوب استفاده کردند (حسینی، موسی‌نژاد، زاهدی، ۱۳۸۱: ۱۰-۲۰).

موضوع اصلی، تدوین روش یا روش‌های ممکن برای تأمین خدمات بهداشتی و نیازهای اولیه مردم نواحی روستایی بود. یکی از روش‌ها، توزیع گسترده نیروهای پزشکی و سایر منابع موجود در سطح کشور بود که به دلیل وجود محدودیت در این زمینه، میسر نبود. روش دوم، حل مسأله از طریق تأکید بر آموزش و گسترش مهارت‌های لازم به منظور توانا کردن نیروهای محلی برای پیشگیری و درمان‌های اولیه بود.

دولت وقت کشور چین، از هر دو روش مذکور استفاده کرد. بدین ترتیب که ابتدا منابع موجود را در مناطق دوردست توزیع کرد و سپس به آموزش و تربیت نیروهای جدید پرداخت. در واقع، تربیت نیروهای محلی و آموزش آنها به منظور مراقبت از سلامتی و پیشگیری از ابتلا به امراض بود. برای انتخاب افراد محلی، اخلاق اجتماعی، قدرت فکر و خلاقیت، از مهمترین معیارها بود.

در این فرایند، ابتدا تعدادی از کارکنان و پزشکان یکی از بیمارستان‌های پکن، به طور داوطلبانه راهی مناطق دوردست روستایی شدند. مسلماً انگیزه آنها مادی نبود، هر چند در زمان استقرار در محل دوردست هزینه کمتری داشتند، اما مهمترین انگیزه، خدمات‌رسانی بود.

این روش به تنهایی کافی نبود، از این رو، تحت برنامه‌ریزی مشخص و شفاف، توجه مردم بیشتر باید جلب می‌شد. سپس با تحریک بیشتر گروه اصلی، حوزه وسیع‌تری تحت پوشش قرار گرفت. به تدریج، گروه‌های داوطلب پزشکی افزایش یافت و آموزش مردم روستایی شکل سراسری به خود گرفت که آموزش نیروهای محلی همراه با معالجه افراد بیمار، عامل اصلی موفقیت در جلب توجه تلقی گردید. نیروهای محلی با عنوان پزشک- دهقان، بعد از پایان دوره آموزشی به پیشگیری می‌پرداختند و بعد از هر دوره عملی، مجدداً برای شرکت در دوره آموزش تکمیلی آماده می‌شدند. برای گروه‌های جدید پزشکی نیز دوره آموزشی برای انتقال انتظارات مردم روستایی و نیز شرایط زیست روستایی برگزار می‌شد. همچنین برای گروه‌های مذکور مشخص

## توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

می‌کردند که آنها چه خدماتی می‌توانند برای روستاییان انجام دهند. علاوه بر این، گروه‌های پزشکی مذکور موفق شدند درمانگاه‌هایی با تعدادی تخت و بعضی ابزار مورد نیاز در مناطق روستایی ایجاد شود. نکته قابل توجه این است که فرایند مذکور به مراکز دانشگاهی اتصال یافتند و از این طریق، در سال ۱۹۶۸، ۲۵۰۰۰ پزشک فارغ التحصیل و در سراسر کشور توزیع شدند و با ادامه تربیت افراد محلی به عنوان پزشک-دهقان، تا حدودی مشکل بهداشتی و درمانی مناطق روستایی چین حل شد» (هرن<sup>۱</sup>، ۱۹۷۱).

### \* تجربه آموزش عشایر در ایران (فعالیت‌های اداره کل آموزش عشایر)

در اواخر دهه ۱۳۳۰، با توجه به نبود مدرسه در مناطق عشایری، شخص علاقمندی بنام "محمد بهمن بیگی" که خود از عشایر قشقایی و باتخصص سوادآموزی بود، با ایجاد مدارس سیار عشایری، به باسواد کردن تعدادی از کودکان عشایر بعضی از طوایف ایلات فارس پرداخت و به تدریج، موفق گردید نظام آموزشی خود را تا حد تأسیس اداره کل آموزش عشایر رسمی کند (سمینار بررسی مسائل جامعه عشایری ایران، ۱۳۵۵). یکی از مهمترین مشکلات پیش‌رو، نبود افراد باسواد شهری علاقمند به پذیرش نقش معلمی در مدارس سیار عشایری بود. افراد خیرخواهی برای تدارک هشتاد مدرسه سیار کمک مالی می‌کنند و برای جبران نبود داوطلب شهری، از افراد کم‌سواد محلی بعد از سپری کردن دوره آموزش استفاده شد و برنامه عملیاتی مدارس آغاز گردید. روش آموزش در مدارس مذکور طوری بود که کودکان به سرعت قادر به خواندن و نوشتن شدند. اما همچنان میزان سواد معلمان برای استخدام در وزارت آموزش و پرورش وقت، مورد انتقاد بود. در عین حال، راهی جز توسل به دامان همان معلمان محلی و اکتفا به سواد آنان نبود. وزارت آموزش و پرورش وقت، سواد آنها را کافی نمی‌دانست.

برای جلوگیری از تعطیلی مدارس و ادامه برنامه آموزش عشایر، قرار شد که معلمان عشایری از میان فرزندان عشایری انتخاب شوند که در چند سال قبل از آن، باسواد شده بودند. برای افزایش سواد آنها نیز "دانشسرای عشایری" در سال ۱۳۳۶ به فعالیت پرداخت و مأموریت یافت که هر سال، حدود ۶۰ نفر از نوجوانان عشایری را با امتحان ورودی و با توجه به جمعیت و نیاز هر طایفه انتخاب کنند تا در مدت ۱۲ ماه، برای آموزگاری آماده شوند. دبیران دانشسرای مذکور، خود از عشایر بودند و در مدارس ابتدایی عشایری، تجربه تدریس داشتند. به دانش‌آموزان دانشسرا، همه دروس کلاس‌های اول تا پنجم ابتدایی، مجدداً آموخته می‌شد. در ضمن، دانشسرا مجهز به آزمایشگاه بود. از آنجایی که بسیاری از دانش‌آموزانی که در دوره ابتدایی تحصیل می‌کردند، برای حضور در دانشسرا، بضاعت مالی کافی نداشتند، در سال ۱۳۴۶، دبیرستان شبانه‌روزی



### بازاندیشی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله

عشایری تأسیس شد. سپس دوره راهنمایی نیز به آن اضافه گردید و ضمن تحلیل دروس، با ایجاد باشگاه جوانان، مهارت‌های بافندگی، صنایع دستی و امور کارگاهی نیز با استفاده از استادکاران محلی آموزش داده شد. سپس در سال ۱۳۵۱، مرکز آموزش حرفه‌ای شبانه‌روزی پسران تأسیس گردید تا در آن فنون بنایی، نجاری و تراشکاری آموزش داده شود.

### \* نقدی بر آموزش رسمی (زمینه اتخاذ رویکرد آموزشی طرح سلسله)

از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، "یونسکو" همراه با نمایندگان کشورهای عضو آن، از جمله ایران، نظام تعلیم و تربیت رسمی جهان را مورد نقد قرار دادند. سازمان مذکور قصد داشت با دید و برداشتی جدید، مسأله تعلیم و تربیت و نظام‌های آموزش رسمی جهان را مورد بازنگری قرار دهد، که در بطن آن، تمرکز آموزش مدرسه و فارغ بودن جامعه از چنین فرایندی، محور نگاه نقادانه به وضع موجود تعلیم و تربیت رسمی بود. بر اساس این نگاه نقادانه، نظام آموزشی در مدارس با عنوان مدارس پیشبرد جمعی مطرح گردید که این ایده، به گونه‌ای با نظام مدارس کتبی، قرابت داشته است. در ضمن، نظام مکتبی آموزش در استان لرستان، از سابقه بسیاری برخوردار بوده است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۱).

در نظام جایگزین، انسانی اجتماعی مورد توجه بود که در ارتباط تعاملی با جامعه رشد می‌یابد و به انسانی متفکر و اندیشه‌گر تربیت می‌شود. در دیدگاه مذکور، تعلیم و تربیت صرفاً منحصر به مدرسه و دوران محدودی از زندگی نیست، بلکه انسان پویایی در نظر گرفته می‌شود که به طور مداوم در معرض تعلیم و تعلم قرار دارد. تعلیم و تربیت، فرایندی مستمر است که با زندگی و کار تحقق می‌یابد و به هیچ وجه منحصر به تحصیلات رسمی و مدرسه‌ای نیست. در نتیجه، برنامه‌های آموزشی باید زندگی انسان را "زگهواره تا گور" شامل شود. در الگوی جدید، آموزش از کار تولیدی جدا دیده نمی‌شود، بلکه آن را در همه ابعاد اجتماعی تحلیل و طبقه‌بندی می‌کرد تا پرورش انسانی آزاد، جامعه‌گرا و قانون‌پذیر مورد انتظار باشد. چنین رویکرد آموزشی، اساس دیدگاه آموزشی طرح سلسله را تشکیل می‌داد تا بتوان رابطه فضاهای آموزشی را با جامعه آشتی داد و در این رابطه، انسانی پرورش یابد که واقعیات جامعه خود را بپذیرد.

### \* اهداف و مأموریت طرح

طرح توسعه منطقه‌ای سلسله، به منظور ایجاد یک الگوی مناسب توسعه منطقه‌ای به وجود آمد که منطبق با شرایط خاص ایران باشد و با تغییری در آن، بتوان برای مناطق مختلف کشور به کار برد. از آنجایی که یافتن چنین الگوی مناسبی، فقط با انجام پژوهشی بنیانی و نظری میسر نیست، ضرورت یافت که مسائل توسعه با

## توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

پژوهشی کاربردی و در عمل مورد بررسی قرار گیرد. به همین منظور، قبل از هر اقدام دیگری، تلاش شد تا منطقه مناسبی در نظر گرفته شود و فرضیه‌های کلی توسعه در عمل آزمون گردد و پس از یافتن نظریه مورد قبول، اقدامات اساسی انجام شود و در ضمن، منطقه مورد نظر نیز از امکانات این طرح بهره‌مند شود (گروه مؤلفان مرکز مطالعات توسعه درونزا، ۱۳۵۳).

به طور کلی، هدف طرح توسعه سلسله، یافتن روش جدیدی با مشارکت مردم و با اتکاء بر استعداد های آنان و ظرفیت‌های منطقه، به منظور رشد و توسعه روستاها به طور هماهنگ، یکپارچه و متکی به خود است. اگر بتوان در منطقه‌ای کوچک، روشی مناسب برای آغاز فعالیت صحیح جامعه به سود فرایند توسعه یافت، بی‌تردید می‌توان با اجرای همان روش در مناطق دیگر، فرایندی کلی و عمومی را به سوی توسعه و رهایی از وابستگی‌ها آغاز کرد و حداقل، قوانین و قواعد چنین فعالیتی را از طریق تجربه آموخت (گروه مؤلفان مرکز مطالعات توسعه درونزا، ۱۳۵۶).

### \* اصول هادی طرح

طرح توسعه منطقه‌ای سلسله با توجه به فلسفه و اهداف خود، از همان آغاز پنج اصل اساسی را هادی راه خویش قرار داد تا مردم منطقه را به تدریج طوری آگاه و آماده گرداند که بتوانند از امکانات اقتصادی و انسانی زادبوم خود، به میزان بسیاری استفاده و بهره‌برداری کنند و خود به تدریج، سهمی عمده در سازوکارهای تصمیم‌گیری داشته باشند. برای آنکه طرح همواره بتواند سلامت فکر و عمل خویش را حفظ کند، تأکید بر اصول ذیل و تأمل درباره آنها بسیار اهمیت دارد:

- ۱- انسان، هدف و وسیله اصلی رشد و توسعه است.
- ۲- تا زمانی که حداقل نیازهای اساسی انسان‌ها تأمین نشود، نمی‌توان از آنها انتظار داشت که در سرنوشت خود تأثیر مهمی داشته باشند. بهداشت، آموزش، فرهنگ، کار، مسکن، درآمد کافی، ارتباطات و شناسایی و احترام به حیثیت انسانی آنها، از جمله نیازهای اساسی است.
- ۳- مشارکت آزاد و آگاهانه مردم در امور و تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی جمعی، مهم‌ترین چیزی است که تضمین می‌کند نیازها و سایر هدف‌های رشد و توسعه با مردم و به وسیله مردم تأمین گردد.
- ۴- رشد و توسعه، هنگامی می‌تواند موجب دستیابی انسان‌ها به هدف‌های یک اجتماع انسانی شود و آنان را از قید وابستگی‌های بازدارنده رها کند که: الف) متکی به خود باشد، یعنی بیش از هر چیز در بسیج و استفاده از منابع انسانی و طبیعی موجود در محیط، به عوامل خارج از آن اتکا نشود، ب) درونزا باشد، یعنی همانند درختی رشد کند که نیروی خود را از شیر درونی‌اش به دست می‌آورد، ج) یکپارچه باشد، به طوری که همه اجزای

## بازاندیشی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله

آن، با یکدیگر مرتبط و بهم پیوسته باشند، د) موزون و هماهنگ باشد، یعنی به شیوه‌ای انجام شود که رشد یک بخش، در رشد موازی بخش‌های دیگر تأثیر مثبت داشته باشد.

۵- از آنجایی که اکثریت مردم، ریشه‌های اصلی درخت توسعه را تشکیل می‌دهند و در جوامع روستایی، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، در طی سال‌های طولانی این ریشه‌ها را خشک کرده است، در برنامه‌ریزی فعالیت‌ها باید توجه کرد که اولویت‌ها همواره به نفع اکثریت خاموش، تعیین شوند (گروه مؤلفان مرکز مطالعات توسعه درونزا، ۱۳۵۶).

### چگونگی انتخاب منطقه

در زمستان سال ۱۳۵۲، رهنما، اهداف زیر را برای اجرای طرح توسعه منطقه‌ای در یکی از مناطق کشور

به نخست وزیر پیشنهاد کرد:

۱- پس از اجرای طرح "پزشکی در روستا" در بین ایلات قشقایی شیراز، با هدف همه‌جانبه کردن این تفکر نوین که یگانه عامل نجات بشریت، وجود همبستگی گروهی در سایه فناوری‌های همگن با محیط اجتماعی است، این طرح تدوین گردیده است. برای اجرای این طرح، کار گروهی اجتماعی وسیعی نیاز است. آن هم کار اصولی با بیداری فراوان، توجه به هدف‌ها، با عشق واقعی به انسانها، توجه به مشکلات و موفقیت‌های فردی و لزوم حفظ همبستگی گروهی، با ایجاد شرایط مساعد و در نهایت، صراحت و شهامت و دیدن افراد آن طور که هستند. اینها همه بیانگر مهر و تفاهم طرفین، صمیمیت، خلاقیت و اشتراک مساعی گروه رهبری است.

۲- از آنجایی که بخش وسیعی از کشور، در دامنه زاگرس بزرگ قرار دارد، منطقه‌ای در این دامنه انتخاب شود و در صورت دستیابی به موفقیت، به تعمیم آن در دامنه مذکور پردازیم.

۳- منطقه ساختار اجتماعی و اقتصادی متنوعی داشته باشد و جمعیت عشایر و دهقان را شامل شود.

مقامات دربار، با رعایت شرایط زیر، اجازه دادند طرح اجرا شود: (۱) منطقه اجرای طرح، مرزی نباشد، (۲) مسائل سیاسی در طرح دخالت داده نشود، (۳) طرح در منطقه‌ای اجرا شود که به لحاظ میزان توسعه‌یافتگی، در سطح متوسط قرار داشته باشد. به طوری که "نه خیلی فقیر و نه خیلی غنی" باشد.

بدین ترتیب، رهنما مأمور گردید تا با همکاری گروهی از افراد، منطقه مورد نظر را انتخاب کند. رهنما پس از اخذ موافقت دربار، گروهی را به سرپرستی دکتر سیروس دهنادی و دکتر مقدم، به مناطق مختلف دامنه زاگرس فرستاد. گروه مذکور، ابتدا منطقه اشریتیان بروجرد را انتخاب کردند. سپس در بازدیدهای بعدی، به دلیل توجه به برخی از ویژگی‌های خاص در مناطق، بخش‌های دلفان، سلسله (الستر) و چغلووندی را از شهرستان خرم‌آباد در لرستان انتخاب کردند و به رهنما گزارش دادند. بدین ترتیب، در بهار سال ۱۳۵۳ سه بخش سلسله،

## توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

دلفان و چغلوندی در لرستان انتخاب شد و از پاییز همان سال، گروهی مرکب از دو پزشک، دو مهندس کشاورزی، یک جامعه‌شناس و برخی از دستیارهای امور آموزشی، به محل اعزام شدند و کار خود را آغاز کردند. جمعیت کل منطقه (سه بخش) ۲۰۰ هزار نفر است که افراد عشایر، نیمه‌عشایر و ساکن در منطقه را شامل می‌شود. از بین سه بخش مذکور، فاز اول طرح در سلسله، اجرا گردید که طوایف حسنونند، یوسفوند، و کولیوند در آنجا زندگی می‌کردند. طوایف فوق به لرهای (لک) معروف هستند و ریشه یکسانی دارند. به دلیل نوع فعالیت اقتصادی خانوارها، تعداد خانوارهای ساکن در منطقه، بیش از خانوارهای عشایر بود. فعالیت اقتصادی منطقه، پرورش گله و دامداری، زراعت معیشتی، صنایع دستی و خرید و فروش بود.

### چگونگی آغاز اجرای طرح و تشکیل کادر اجرایی

نام طرح مذکور، "طرح توسعه منطقه‌ای سلسله"<sup>۱</sup> با مهری منقش به مجسمه باستانی لرستان (دو بز ایستاده که به نشانه همدلی و مشارکت، دست به دست هم داده‌اند و قاصدکی در میان دو شاخ بز، به نشانه پیام‌رسانی توسعه وجود دارد. عنوان طرح نیز بر فراز آن نوشته شده بود) بود که در پاییز سال ۱۳۵۳ به طور رسمی اجرا گردید.



موقعیت متفاوت طرح سلسله، شرایط زیستی منطقه و ضرورت حضور نیروی انسانی در طرح، اهمیت و ضرورت رعایت اصول هادی طرح، لزوم توجه به هدف و مأموریت طرح و انتظارات متفاوت کادر اجرایی در ارتباط با مردم، از اداره‌های دولتی، انتخاب و تجهیز نیروی انسانی مورد نیاز را از طریق فراخوان معمولی، ناممکن می‌کرد، زیرا گرایش به کار در شرایط فوق با وجود انتظارات مذکور و انطباق با آن، نیازمند آرمان‌خواهی و داشتن باوری خاص بود و کار در تعریف متعارف آن، مد نظر نبود. در ضمن، برای افرادی که با توجه به سایر تجربیات در بعضی از کشورهای جهان سوم، به دنبال احراز تجربه‌ای دیگر و ارائه نتایج آن به سمنارها و مجامع ذیربط داخلی یا بین‌المللی بودند، می‌توانست انگیزه مناسبی برای همکاری ایجاد کند و به

۱ انتخاب واژه "سلسله" هم به دلیل نام بخش سلسله است که برگرفته از نام کوه‌های مشرف بر آن بوده و هم بیانگر سلسله مراحل اجرای طرح در سه بخش سلسله، دلفان و چغلوندی بود (حسینی و همکاران، ۱۳۸۱).

## بازاندیشی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله

جذب همکاری آنها در طرح سلسله بینجامد. اما به ایجاد هسته اصلی نیاز بود تا با ایجاد فضای علمی، انگیزه افراد مذکور مورد توجه قرار گیرد. با این حال، در درجه اول آرمان‌خواهی، انجام کار اجتماعی و ارائه تصویری "جزیره‌گونه" از طرح سلسله، تعداد کمی از نیروهای انسانی ایرانی تحصیل کرده در داخل و خارج از کشور و علاقمند به آبادانی مناطق روستایی، که خود را با شرایط و انتظارات منطبق می‌دانستند، به سکونت و همکاری در منطقه پرداختند. آنها خواهان انجام کاری ماندگار و تأثیرگذار بر جامعه روستایی بودند و بر اساس احساسات انسان دوستانه، برای دگرگونی جامعه روستایی و در نهایت، ارائه الگویی قابل انطباق با سایر شرایط روستایی کشور تلاش می‌کردند. افراد مذکور، مدتی به شناسایی منطقه، ارتباط با مردم و شناخت روابط بین گروه‌های اجتماعی پرداختند و در بین گفتگوها نیز برای شناخت نیازهای منطقه، اهمیت و اولویت خاصی قائل بودند.

هدایت و پشتیبانی افراد مذکور از طریق دفتر مرکزی (مستقر در تهران) انجام می‌شد و در سطح منطقه، استانداری وقت، دستور همکاری ادارات بخش سلسله را با طرح صادر کرد. به تدریج، به دلیل نیاز به شناسایی عمیق شرایط و موقعیت‌ها از طریق سازمان مدیریت صنعتی، پژوهش در منطقه آغاز شد و با تکمیل پرسشنامه، اطلاعات مربوط به شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی جمع‌آوری شد که نتایج آن، چندان بر واقعیت منطبق نبود. از این رو، ایجاد مرکزی خاص برای انجام پژوهش‌های مستمر درباره منطقه، به موازات انجام امور اجرایی ضرورت یافت. بدین ترتیب، "مرکز مطالعات درونزا" ایجاد شد که وظیفه ایجاد هماهنگی در روش‌ها، ارزشیابی و اندازه‌گیری آثار طرح در منطقه، تدوین الگوهای قابل تعمیم و اجرا در مناطق همگون و به طور کلی، بررسی و پردازش تحقیقات نظری مرتبط با طرح‌های جامع یا توسعه هماهنگ را بر عهده گرفت (گروه مؤلفان مرکز مطالعات توسعه درونزا، ۱۳۵۶).

از پائیز سال ۱۳۵۳، با ورود یک کارشناس مجرب اقتصادی، تعدادی کارشناس کشاورزی، یک کارشناس ارشد و مجرب سوادآموزی، دو پزشک، تعدادی پرسنل اداری و رئیس اجرایی، کار اجرایی رسمیت یافت و متعاقب آن، ساختار مدیریت اجرایی به تدریج شکل گرفت. بدین ترتیب، با تنوع فعالیت‌ها، طرح از مجری، رئیس اجرایی، کمیته هماهنگی و سیاست‌گذاری، کارشناس‌ها و دفتر مرکزی (در تهران) از جمله مرکز مطالعات درونزا برخوردار شد. بخشی از فعالیت‌ها، تربیت تعدادی از روستازادگان به عنوان معلمان، مروجان و بهورزان (که بعدها مردم‌یار نامیده شدند) یعنی بازوان اجرایی طرح و به طور موقت، نمایندگان مردم در طرح بود که در زمره کارکنان قرار گرفتند. علاوه بر این، کادر فنی در مجموعه کارکنان قرار داشت.

### مرکز پژوهش‌های توسعه درونزا

مرکز پژوهش‌های توسعه درونزا، با هدف‌هایی کاملاً هماهنگ با اهداف سازمان اجرایی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله، در سال ۱۳۵۲ پایه‌ریزی شد. از آنجایی که در هدف‌های طرح، قبل از هر چیز، انسان مورد

توجه بود، مشارکت انسان در زندگی خود و محیط پیرامونش، مهمترین موضوع در گام‌های نخستین تلقی می‌شد. بدین ترتیب، مرکز پژوهش‌های توسعه درونزا، جزء لاینفک سازمان اجرایی محسوب می‌شد که وظیفه اساسی آن در دوره فعالیت طرح، شناخت و رفع نیازهای فوری و مشارکت در رفع آنها بود.

آموزش، بهداشت، مسکن و راه، هدف اصلی طرح مذکور در دوره نخستین تلقی می‌شد. جستجو برای چگونگی جلب مشارکت مردم، بررسی مقدماتی برای شناخت کلی منطقه، انتشار کتب و جزوه‌های درسی و انتشار گزارش‌هایی درباره موضوعات مختلف و نیز انجام پژوهش‌های مستمر درباره مسکن، از مهمترین فعالیت‌های مرکز پژوهش‌های درونزا در آن دوره بوده است. هر چند مرکز پژوهش‌های توسعه به انجام فعالیت‌های مذکور پرداخته است، ولی به دلیل روش کلی طرح در مرحله نخستین، تفکیک کوشش‌های مرکز از فعالیت‌های اجرایی طرح، به‌ویژه در زمینه کیفی دشوار است.

با گذشت زمان، هنگامی که مراحل دیگر آغاز شد، لازم بود فعالیت‌های آن مورد ارزیابی قرار گیرد تا راه‌های آینده به روشنی هموار شود. این امر، وظایف و مسئولیت‌های جدیدی برای مرکز ایجاد کرد و بیش از هر چیز لازم بود مرکز قلمرو طرح را به طور مستقل مورد توجه قرار دهد. بر اساس این ضرورت، در اواسط نیمه اول سال ۱۳۵۲، مرکز مجدداً سازماندهی گردید و سپس اقدامات زیر انجام شد:

۱) گزارش درباره مفاهیم توسعه و تحلیل هدف‌های طرح؛ ۲) آمارنامه الشتر؛ ۳) برنامه‌ریزی برای زراعت و دامداری در بخش سلسله؛ ۴) پژوهش بنیادی و تهیه شناسنامه آماری دهات منطقه؛ ۵) بررسی‌های موردی؛ ۶) برنامه‌ریزی آموزشی؛ ۷) تدوین فرهنگ تصاویر و کلمات برای سوادآموزی؛ ۸) تهیه طرح سوادآموزی و اجرای آن در لرستان؛ ۹) تدوین فرهنگ تصویری ابزار تولید، پوشاک، مسکن و ادوات موسیقی در الشتر؛ ۱۰) گزارش برآورد درآمد سرانه و درآمد خانوار در بخش الشتر؛ ۱۱) بازدید و بررسی منطقه زلزله‌زده کرمان؛ ۱۲) طرح پژوهش درباره شیوه معماری طاق و گنبد؛ ۱۳) مقاله‌ای درباره امکانات بالقوه معماری بومی (به زبان انگلیسی) ۱۴) طرح گردآوری و بررسی گونه‌های موسیقی بومی؛ ۱۵) پژوهش درباره طرح توسعه منطقه‌ای سلسله؛ ۱۶) ترجمه دو مقاله نظری؛ ۱۷) کتابخانه و آرشیو؛ ۱۸) ارتباطات و انتشار ویژه‌نامه.

### مشارکت مردمی در طرح

طول مدت اجرای طرح در قرارداد منعقد شده، پنج سال بود. قرار بود که در طول پنج سال، با تدابیری مردم منطقه، به جایگاه خود پی ببرند و در سال ششم، طرح با نیروی مردمی و امکانات منطقه‌ای اداره شود تا آثار عظیمی در منطقه پدید آید. اصول و چارچوب حرکت گروه رهبری طرح، در ذیل بیان می‌شود.

## بازاندیشی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله

۱- برقراری ارتباط نزدیک با مردم به منظور جلب مشارکت آنها با الهام از منبع مشترک ما و مردم، یعنی محیط زندگی مردم و واقعیات عینی جهان برای دستیابی به اهداف و آرمان‌ها.

۲- آماده کردن خود برای یک انقلاب درونی تدریجی و پرورش مستمر شخصیت خویش که در زمره کار مردمی است تا به انسان واقعی که در نهاد هر یک از ما، در انتظار زاده شدن است، فرصت حیات و شکوفا شدن بدهیم. همچنین در اجرای اصل تأمین حداقل نیازهای مردم، در طرح سلسله، نیازها از دو دیدگاه مورد بررسی قرار می‌گرفت:

الف- نیازهایی که برای منطقه، زیربنایی بود و تأمین آنها، مستلزم وجود وسایل و اعتبارات بسیار زیادی بود؛

ب- نیازهایی که مردم، برای تأمین آن داوطلب می‌شدند و در صورت مشارکت، امکان تأمین آنها با مخارج و وسایل نسبتاً اندک، میسر بود (گروه مؤلفان مرکز مطالعات توسعه درونزا، ۱۳۵۶).

درباره نیازهای مهم زیربنایی طبقه اول (از قبیل راه‌های اساسی، شبکه تندرستی، مدارس، لوله‌کشی‌های اصلی، سلامت دام، بهبود کشاورزی و غیره) با آنکه اصل مشارکت، همچنان عامل اصلی در اجرای برنامه‌ها محسوب می‌شد، طرح توسعه سلسله، سرمایه‌گذاری‌های لازم را با اعتبارات خود انجام می‌داد (گروه مؤلفان مرکز مطالعات توسعه درونزا، ۱۳۵۶).

در مورد برنامه‌هایی که بر اساس اصول طرح توسعه سلسله، در صورت اشتیاق و درخواست مردم، حائز اهمیت می‌شوند، و می‌توانند علاوه بر تأمین نیازهای مورد علاقه مردم در منطقه‌ای خاص، در افزایش آگاهی دسته‌جمعی مؤثر باشند، تأمین وسایل مورد نیاز برنامه‌ها (از حیث تأمین نیروی کار و وسایل فرعی) بر عهده مردم بود و طرح، نقش پشتیبانی (کمک‌های فنی مالی جنبی) ایفا می‌کرد. در گزارش‌ها و اسناد باقی‌مانده از طرح، به صراحت بیان شده است در هر چه ساخته می‌شود، علاوه بر توجه به نیازهای واقعی مردم و توجه فراوان به مشخصات فرهنگی و زندگی آنان، دو بعد اساسی آموزش دسته‌جمعی و مشارکت آگاهانه مردم، همواره باید در نظر گرفته شود. برای مثال، در ساخت جاده دو کیلومتری از روستای علم‌آباد تا جاده اصلی که فرایند انتخاب آن، بر اساس روش طرح، طی شده بود، ابتدا کلاس‌هایی درباره نحوه جاده‌سازی و پل‌سازی برای روستاییان برگزار شد. سپس به کمک آنان، کارهای اجرایی را انجام می‌دادند (پیر بابایی، ۱۳۸۳: ۱۲).

### اقدامات انجام شده در طرح

در طرح بر اساس شناخت به دست آمده و با توجه به ضرورت‌ها و نیازهای منطقه، فعالیت‌ها از آغاز به چهار بخش اساسی تقسیم شد:

## توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

(۱) تأمین خدمات مورد نیاز: بر اساس طرح، خدمات اصلی که باید عرضه می‌شد، در زمینه‌های بهداشت، آموزش، کشاورزی، مسکن و ایجاد زیربنای اقتصادی و عمرانی لازم از قبیل راهسازی، آبرسانی و بهسازی محیط زیست بود.

(۲) تأمین کادرهای محلی: باید هر چه زودتر، نیروهای انسانی مناسبی برای عرضه خدمات مورد نیاز تربیت می‌شد تا منطقه از قید وابستگی شدید به نیروهای انسانی پرهزینه و دشوار شهری رهایی یابد. تربیت سه نوع عامل توسعه، (آموزگاران، بهورزان و مروجان) در زمینه‌های بهداشت، آموزش و کشاورزی، از اولویت بسیاری برخوردار بود. به طور کلی، تفاوت کلاس‌های آموزشی یاد شده با کلاس‌های آموزشی رسمی به ترتیب زیر بود:

معلم بر اساس نظرخواهی، مبحث خود را آغاز می‌کرد و در این فرایند، بیشتر شنونده می‌شد تا گوینده. بحث‌ها باید دوطرفه، افقی و بر اساس فرصت برابر انجام می‌شد و شاگردان نیز با حفظ حقوق خود، نباید فقط به حفظ کردن مطالب اکتفا می‌کردند. در سوادآموزی، عمدتاً از واژه‌های مشترک لکی و فارسی استفاده می‌شد و عمدتاً واژه‌هایی آشنا در کار و زندگی بود (گروه مؤلفان مرکز مطالعات توسعه درونزا، ۱۳۵۶).

- تنه مشترک

به منظور هماهنگی بهتر بین گروه‌های بهورز، مروج و آموزگار و آشنایی بیشتر آنها با یکدیگر و کار همدیگر، پس از پایان دوره آموزشی هر سه گروه، یک دوره آموزشی عملی (کاربردی) با استقرار در یکی از روستاها و کار در روستاها آغاز شد. این دوره، "تنه مشترک" نامیده شد.

در طول این دوره، بر مسائل و موضوعات مشترک بین این سه شاخه که تنه مشترک درخت توسعه محسوب می‌شد، بسیار تأکید گردید. موضوعاتی از قبیل شیوه زندگی در بین روستاییان، نحوه خدمات‌رسانی به آنها، جلب مشارکت و همکاری گروه‌های مختلف روستایی، نحوه تعیین اولویت‌ها و نیازهای روستاییان، چگونگی گسترش روح تعاون در بین مردم، ارزش‌گذاری به سنت‌ها و اداره امور توسط نمایندگان واقعی، روش‌های استفاده از فناوری جدید در تولید و همیاری بین گروه مروج، آموزگار و بهورز در سطح روستا و منطقه، در این دوره مورد توجه قرار گرفت که در واقع، فرصتی برای بازبینی و مرور آموزش و تجربه‌های گذشته سه گروه محسوب می‌شد.

هدف دیگر "تنه مشترک"، تأکید بر مشترکات سه گروه و تقویت دامنه آن و اجتناب از تخصصی شدن کارها و تک‌بعدی دیدن فعالیت‌های هر گروه بود. بعد از تجربه تنه مشترک، برای خنثی کردن تمایل‌های گروهی و اجتناب از حرفه‌ای شدن و حرفه‌ای دیدن مسائل، تصمیم گرفته شد تا به جای آموزش دوره‌های جدید و آموزش افراد، از همین تعداد افراد به طور کیفی استفاده شود. از این رو، نام افراد سه گروه به "مردم‌یار" تغییر یافت و هر بهورز، مروج و آموزگاری که در دوره آموزشی دو گروه دیگر شرکت کرده بود،



## بازاندیشی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله

"مردم‌یار ارشد" و کسی که فقط در دو دوره آموزشی شرکت کرده بود، "مردم‌یار دوبعدی" و کسی که در یک دوره آموزشی شرکت کرده بود، "مردم‌یار تک‌بعدی" نامیده شد. این سلسله‌مراتب، امتیازات مادی و معنوی را نیز شامل می‌شد.

- نیروهای فنی

با استفاده از امکانات طرح و نیز امکانات نهادهای دولتی، تعدادی بنا، نجار، لوله‌کش، راننده، مکانیک (اتومبیل و ماشین‌آلات کشاورزی و راه‌سازی)، رنگرز و غیره به منظور رفع نیازهای منطقه پرورش داده شد. هر چند اکثر افراد مذکور، در بازار کار وارد می‌شدند، اما در دوره آموزشی خود، با فلسفه و بنیادهای نظری طرح، کم و بیش آشنا می‌گردیدند و بسیاری از آنها نیز با این دیدگاه که نوآوری، بخشی از آن محسوب می‌شد، در واحدهای خدمات‌رسانی بخش خصوصی وارد شدند.

۳- ایجاد سازوکارهای مشارکت: هدف طرح در این زمینه، ایجاد انگیزه‌های لازم برای مشارکت مردم در امور اجتماعی بود. آشنایی با ساخت قدرت و چگونگی روابط اجتماعی، توجه به وضع شرکت‌های تعاونی، انجمن‌های محلی و کنترل اجرای قوانین موجود و انتخابات آزاد در سازمان‌های مذکور، از مهمترین فعالیت‌های طرح بود. سایر هدف‌های عملی این بود که روحیه و طرز فکری جدید در مردم و خدمت‌گزاران گروه‌های سه‌گانه مردم‌یاران و نیز مریبان و مسئولان به وجود آید تا مردم مانند گذشته، انتظار دریافت هدایا و کمک‌های دولتی را نداشته باشند، بلکه خود را در همه حال، عاملان اصلی پیشرفت و توسعه بدانند و با کسب اعتماد به نفس راه‌حل‌های جدید کشف کنند.

۴- پژوهش‌ها و نوآوری: پژوهش‌های بسیاری در زمینه بیوگاز، معماری با استفاده از مصالح و امکانات محلی، ساخت جاده‌های ارزان‌قیمت و مبارزه با مالاریا آغاز شد. هدف پژوهش‌ها و نوآوری‌های مذکور، استفاده از فناوری ساده، مفید و متکی به منابع و امکانات محلی و رشد امکانات توسعه درونزای منطقه با حداکثر مشارکت نیروی فعال کار موجود و مردم ذینفع به بهترین نحو بود.

به طور کلی، می‌توان مهمترین فعالیت‌های طرح توسعه سلسله را در زمینه‌های زیر خلاصه کرد: آموزش، صنایع کوچک، صنایع دستی، کشاورزی و دامپروری، امور ارتباطی، آبرسانی، امور تعاونی و عمومی، امور پژوهشی و تلاش برای رشد نوآوری و عمران شهر الشتر.

## وضعیت طرح بعد از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی، با وجود اتمام دوره پنج‌ساله اجرای طرح سلسله، فرایند تفویض امور به مردم‌یاران و تشکل‌های مشارکتی مردم، متوقف شد و مردم‌یاران و سایر کارکنان به دستگاه‌ها و واحدهای ذیربط اداری - دولتی انتقال یافتند. اکثر افراد آموزش‌دیده (آموزگاران، بهورزان و مروجان) با توجه به نوع آموزش و

## توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

فعالیت خویش، در آموزش و پرورش، مراکز بهداشتی و جهاد سازندگی به‌عنوان کارمند استخدام شدند. همچنین بیشتر امکانات طرح توسعه سلسله، به اداره جهاد سازندگی محل تحویل داده شد. تا آن مقطع، فرایند توانمندسازی مردم‌یاران انجام شده و تا حدودی این میزان توانمندی، مناسب تشخیص داده شده بود، اما در شرایط آن دوره، به‌ویژه با توجه پراکندگی کارکنان و مردم‌یاران و نیز بستر موجود (بعضاً دانسته یا ندانسته، طرح را در زمره ادارات دولتی - شاهنشاهی تلقی می‌کردند)، تکمیل فرایند یادشده میسر نبود. از این رو، استمرار فعالیت‌های طرح ناممکن شد.<sup>۱</sup>

### - نظرات مردم محلی درباره طرح

اکثر مردم منطقه، طرح را به طور کلی موفق می‌دانستند، از دوران فعالیت طرح، به نیکی یاد می‌کردند و طرح را در زمینه‌های عمرانی و خدماتی، موفق ارزیابی می‌کردند. آنها نوسازی و احداث جاده‌ها را ماندگارترین و در عین حال تأثیرگذارترین برنامه طرح در منطقه خود می‌دانستند.<sup>۲</sup>

آرای مردم محلی و نیروهای محلی دست‌اندرکار (آموزگازان، بهورزان و مروجان) طرح توسعه سلسله، در این زمینه به طور مختصر عبارتند از:

### - آرای مردم محلی درباره طرح توسعه سلسله

قوت‌ها: موفقیت طرح در زمینه‌های عمرانی و خدماتی از جمله نوسازی و احداث جاده‌ها؛ مشارکت مردم در مراحل تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح؛ دلسوز بودن، مردمی بودن و تلاش دست‌اندرکاران طرح؛ تربیت نیروهای محلی به عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های ابتکاری طرح.

ضعف‌ها: تفاوت فرهنگی دست‌اندرکاران طرح با مردم منطقه؛ برخورد و مبارزه طرح با اقلیت مسلط منطقه به لحاظ اقتصادی؛ کوتاه‌مدت بودن فعالیت طرح در منطقه.

- آرای افراد دست‌اندرکار در طرح توسعه سلسله در منطقه (گروه‌های سه‌گانه: معلمان، بهورزان و مروجان)

قوت‌ها: آموزش نیروهای محلی برای مشارکت در انجام امور طرح؛ ارزشیابی‌هایی که در طول آموزش گروه‌های سه‌گانه از افراد تحت آموزش انجام می‌شد؛ توجه مجریان طرح به روحیه ایثارگری، تواضع و فروتنی افراد دست‌اندرکار؛ مبارزه مجریان طرح با فساد اداری؛ اصرار مجریان طرح بر اتحاد و انسجام افراد؛ تأکید بر روحیه خودباوری افراد دست‌اندرکار.

ضعف‌ها: رعایت نکردن حجاب بعضی از همکاران زن در طرح؛ کافی نبودن دوره‌های آموزشی در طرح.

۱ تحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق مصاحبه با آموزگاران طرح، ۱۳۸۷/۴/۱.

۲ تحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق مصاحبه با مردم محلی، ۱۳۸۷/۵/۵.

## بازاندیشی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله

- آرای مجید رهنما، طراح طرح توسعه منطقه‌ای سلسله درباره دستاوردهای طرح دقیقاً تا زمان پیدایش تحولات سیاسی عظیم در ایران، گروه ما به مدت شش تا هفت سال در الشتر حضور داشتند. آخرین دفعه‌ای که در الشتر بودم، روستاییان بسیار مهربان بودند و رفتارشان موجب شده بود که احساس کنم توانسته‌ایم کار زیادی برایشان انجام دهیم. ما با روش مشارکتی و استفاده از تحلیل هزینه - فایده در احداث صدها راه کوچک و پل، اجرای طرح‌های جدید کشاورزی و کسب تجارب بنیادی در زمینه‌هایی از قبیل آموزش، مراقبت‌های بهداشتی اولیه، خانه‌سازی و آزادی زنان، به آنها کمک کرده بودیم. طرح "الشتر" بسیار به من کمک کرد تا دریابم که توجه دقیق به آرای مردم ذینفع، می‌تواند ما را از منطق دوگانه حاکم بر خردورزی جهان - مبنی بر اینکه گزینه دیگری میان پیشرفت یا پسرفت، میان رژیم سرکوبگر یا انقلابی خشونت بار و غیره وجود ندارد - رهایی دهد. به مدت شش سال، به یاری چند جوان "آرمان‌گرا" تلاش کردم با همکاری مردم، و بر مبنای واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه، بدون وابستگی زیاد به خارج، کنش دسته‌جمعی در منطقه پدید آید. به یاری گفتگو با خردورزهای بومی و نوآوری‌های تجربه شده در نواحی دیگر و کمک به یکدیگر توانستیم گزینه‌های آموزشی (سوادآموزی با روش پائلو فریره<sup>۱</sup>)، عملیات نوین کشاورزی (تهیه گاز از تپاله گاو)، آموزش بهداشت شخصی (پزشکان پابره‌نه)، پل‌سازی و جاده‌سازی را اجرا کنیم.

برای انجام این کارهای اندک، باید از گسستگی‌ها و تضادهای رژیم سیاسی و اجتماعی آن زمان استفاده می‌کردیم. مقاومت در قبال مواضع غیرقابل انعطاف، با روحیه‌ای برگرفته از دانش بومی و استفاده مطلوب از روابط شخصی، از جمله اقدامات در آن دوران بود. این رویکرد عمل‌گرایانه، به میزان فراوانی کمک کرد تا بتوانیم برخی از مزیت‌های توسعه مشارکتی و درونزا را نشان دهیم. این عمل، به ویژه نشان داد که برای نوسازی منطقه‌ای توسعه‌نیافته، بدون نیاز به امکانات فراوان و صرفاً توجه به اینکه مردم ذینفع بتوانند بر سرنوشت خویش در فضایی سرشار از اعتماد، تأثیرگذار باشند، می‌توان کارهای زیادی را انجام داد.

اکنون که غالب اوقات، با حسرت و دلتنگی به گذشته می‌اندیشم و به آن با دیدگاهی متفاوت می‌نگرم، هنوز معتقدم که تجربه مذکور در روستاهای ناحیه الشتر، موجب ایجاد تغییرات زیادی شده است. از جمله اینکه مجموعه کاملی از امکاناتی مهیا شد که روستاییان بسیار به آن نیاز داشتند. اما آن تغییرات زیاد، پرسش‌های بی‌پاسخی را در ذهنم ایجاد کرد. تغییرات مذکور در نهایت در خدمت چه کسی و چه نوع اجتماعی بود؟ آیا مردم الشتر آنچه را که واقعاً برای رشد و شکوفایی خویش نیاز داشتند، به دست آورده بودند؟ یا اینکه در نهایت، ما را فقط مزاحم‌هایی در زندگی خویش می‌دانستند؟ تفاوت ما و دست اندرکاران توسعه این بود که

۱ Paulo Reglus Neves Freire دانشمند برزیلی و تئوریسین معروف و با نفوذ روش‌های انتقادی آموزشی.

در این دیدگاه، مردم محلی فعالانه درگیر و توانمند می‌شوند که این مسئله خیلی برای توسعه اجتماعات روستایی ضروری است.

دیدگاه مشترکی درباره واقعیت نداشتیم. به اعتقاد ما، آنها همه پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی را به جنبه‌های اقتصادی‌شان تقلیل می‌دادند. در عوض، ما به تقدم عواملی مانند روابط اجتماعی، همبستگی‌های انسانی و نظام‌های ایمنی پیچیده‌ای اعتقاد داشتیم که به کشورهای به اصطلاح توسعه‌نیافته قدرت استثنائی می‌بخشید. با این حال، ما در این زمینه توافق یافتیم که وظیفه سنگین بازسازی فضاهای [زندگی] مردم، باید با واقعیت‌های توسعه اقتصادی تناسب داشته باشد. همچنین معتقد بودیم که در واقع انجام بسیاری از امور در فرایند نوگرایی و صنعتی شدن جوامع توسعه‌یافته، اشتباه بوده است، اما همگی با نظر گاندی در این زمینه که صنعتی‌سازی، طرحی شیطانی است، موافق نبودیم. در جایی که امکان ترکیب رفاه اقتصادی با عدالت اجتماعی وجود داشت، بسیاری از ما می‌توانستیم مدل‌های اجتماعی جدید را به آسانی تصور کنیم. توسعه درونزا و مشارکتی، یکی از مدل‌ها محسوب می‌شد. حقایق مذکور به نسلی که به آن تعلق داشتیم، نیرویی استثنائی بخشید و ما را در کسب موفقیت‌های بسیار دور از انتظار، و از نوع فنی و سازمانی، هدایت کرد.

در نهایت، به اعتقاد مجید رهنما، طرح‌هایی با چنین الگوهایی، بیشتر همانند باران‌های بهاری است که در بلندمدت می‌توانند بیشتر شر ایجاد کنند تا خیر، زیرا تغییرات درونی مهمی را در قدرت و توانایی لازم برای اصلاح ظرفیت‌های خودبسندگی مردم ایجاد نمی‌کنند. این نوع توسعه می‌تواند فقرا را بیش از گذشته وابسته کند. وابستگی به چیزهایی که به دلیل پیدایش برخی نیازهای جدید برای آنها به وجود آمده است و قدرتی که هیچ‌گونه کنترلی بر آن ندارند (رهنما، ۱۳۸۵، ۱۳۷۷، ۱۳۸۱).

### نتیجه‌گیری

بر اساس زمینه‌های شکل‌گیری طرح توسعه سلسله، روشن گردید که طرح مذکور، از برنامه‌های پنج‌ساله عمرانی کشور جدا بود و ظاهراً با آن برنامه‌ها چندان مرتبط نبود. اما اگر دوران قبل از اجرای طرح، یعنی سال‌های دهه ۴۰ را مورد توجه قرار دهیم، "انقلاب سفید" شاه یا "انقلاب شاه ملت" را ملاحظه می‌کنیم که اصلاحات ارضی، یکی از اصول آن بود. سه اصل مهم انقلاب سفید در دوران بعد از اصلاحات ارضی، تشکیل سپاه دانش، سپاه بهداشت و سپاه ترویج و آبادانی بود. با توجه به این موضوع، اگر روش کار و چگونگی تأمین و آموزش کادرهای محلی را در طرح سلسله با دقت مورد توجه قرار دهیم، پی خواهیم برد که آموزش گروه‌های سه‌گانه آموزگاران، بهروزان و مروجان از همان اصول انقلاب سفید الگوبرداری شده است. بی‌شک، طراح طرح، مجید رهنما، به دلیل آشنایی با سیاست‌ها و امور اجرایی کشور و نزدیکی با دربار، به خوبی توانسته بود ایده طرح سلسله را بر پایه تجربه‌های پیشین استوار سازد و به عنوان یک کارگزار توسعه، به‌خوبی آن را اجرا کند. با وجود این، طرح توسعه سلسله با توجه به مقطع زمانی خویش، از ویژگی‌هایی برخوردار بود که آن

## بازاندیشی طرح توسعه منطقه‌ای سلسله

را از سایر طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای، متمایز و تا حدودی منحصر به فرد می‌کرد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: (۱) حمایت همه‌جانبه دولت از طرح؛ (۲) انجام پژوهش‌های عمیق در منطقه؛ (۳) تأسیس مرکز پژوهش‌های توسعه درونزا؛ (۴) تأکید بر نقش آموزش در توسعه روستایی و آموزش گروه‌های سه‌گانه (آموزگاران، بهورزان و مروجان)؛ (۵) ایجاد سازوکارهای مشارکت؛ (۶) انعطاف‌پذیری طرح در مرحله اجرا؛ (۷) وجود یک گروه کاری متحد و منسجم؛ (۸) یکپارچه بودن (همه‌جانبه بودن) طرح.

مهمترین درسی که می‌توان از اجرای طرح توسعه سلسله آموخت، این است که، طرح‌های توسعه‌ای به صبر و حوصله فراوان نیاز دارند، و نمی‌توان در کوتاه‌مدت، آثار آنها را در جوامع مورد نظر ملاحظه کرد. این طرح‌ها به حمایت همه‌جانبه نهاد‌های ملی نیاز دارند و نمی‌توان با فعالیت در یک مقطع زمانی کوتاه‌مدت، پیدایش نتایج و آثار عظیمی را انتظار داشت.

## منابع

- ارجمندنیان، اصغر (۱۳۸۰). سازمان‌های غیردولتی، راهبرد مشارکت سازمان‌یافته. فصلنامه مدیریت شهری، ۵، ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: نشر کلمه.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- اوکلی، پتر و مارسدن، دیوید (۱۳۷۰). رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی. (م. محمودنژاد. مترجم). تهران: روستا و توسعه، ۴.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. (ب. ساروخانی. مترجم). تهران: انتشارات کیهان.
- پیر بابایی، محمدتقی (۱۳۸۳). ارزیابی ظرفیت‌سازی در ابتکارات توسعه روستایی؛ نمونه موردی: طرح توسعه منطقه‌ای سلسله در مؤسسه توسعه روستایی ایران. مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی؛ چالش‌ها و چشم‌اندازها. تهران: بخش تحقیقات مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها. تهران: انتشارات سمت.
- حامدمقدم، احمد (۱۳۸۰). مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی (جلد ۱). مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه. تهران: انتشارات سمت.
- حسینی، سید ابراهیم، موسی نژاد؛ زاهدی ابقری، ابراهیم (۱۳۸۱). بررسی مسائل و موانع توسعه استان لرستان؛ بررسی و ارزیابی آثار و نتایج کاربست الگوهای توسعه درونزای طرح سلسله و ریمله. لرستان: امور اجتماعی استانداری لرستان.
- دیاس، هیران‌دی و مایاناک، ب. د. ا. و. (۱۳۶۸). درسنامه برنامه‌ریزی توسعه روستایی. تهران: روستا و توسعه، ۱.
- رهنما، مجید (۱۳۸۱). بازاندیشی‌های یک کارگزار توسعه. (ج. توکلی. مترجم). فصلنامه روستا و توسعه، ۵.
- رهنما، مجید (۱۳۸۵). هنگامی که بینوایی فقر را از صحنه بیرون می‌راند. (ح. جاودانی. مترجم). تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- رهنما، مجید و همکاران (۱۳۵۶). آموختن برای زیستن، یونسکو. (قاضی. مترجم). تهران: امیرکبیر.
- رهنما، مجید و همکاران (۱۳۷۷). مشارکت، نگاهی نو به مفاهیم توسعه. تهران: نشر مرکز.

## توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵). تاریخچه مختصری از فعالیتهای اداره کل آموزش عشایری، سمینار بررسی مسائل جامعه عشایری ایران. سازمان برنامه و بودجه. معاونت استانها. کرمانشاه.
- طالب، مهدی (۱۳۷۶). مدیریت روستایی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گروه مؤلفان مرکز مطالعات توسعه درونزا (۱۳۵۶). گزارش فعالیتهای و اقدامات طرح توسعه منطقه‌ای سلسله. نشر مرکز مطالعات توسعه درونزا.
- گروه مؤلفان مرکز مطالعات توسعه درونزا (۱۳۵۶). ملاحظاتی پیرامون مفاهیم توسعه و تحلیلی بر هدف‌های طرح توسعه سلسله. نشر مرکز مطالعات طرح توسعه درونزا.
- گروه مؤلفان مرکز مطالعات توسعه درونزا (۱۳۵۶). نمونه‌هایی از کوشش سلسله. نشر مرکز مطالعات طرح توسعه درونزا.
- Horn, J. S. (1971). *Experiment in expanding the rural health service in people China*. Teamwork for world health. Ciba foundation symposium.
- Richards, J. P. (2002). *Sustainable Development and the Minerals Industry*. Department of Earth and Atmospheric Sciences. University of Alberta, Society of Economic Geologists Newsletter.

**تقدیر و تشکر:** نگارنده (عبدالمنان حقیقی مقدم) از همسر فداکار خود که در مراحل پژوهش و تدوین مقاله اینجانب را یاری نموده‌اند، کمال سپاس و قدردانی را دارد.